

نابینای بینا

نگاهی به جهان داستانی **خورخه لوئیس بورخس**



۲۴ خردادماه ۱۳۶۵، خورخه لوئیس بورخس در بطن خاک آرامید و خواندگانش را در چهار گوشه دنیا مغموم از فقدان گرانبارش، مغیون بر جای گذاشت. این مناسبت ۳هفانه‌ای شد تا نگاهی پیندازم به زندگی این نویسنده محتشم که از سونی مسحور «هزارتوهای او» بوده‌ام و از دیگر سو، سرگشته «پورانه‌های مدور»ش و... از داستان‌های دست خوانندگان خود نویسنده‌ای که حتی نابینایی در میانه عمر نیز او را از کارش باز نداشت و به‌رغم خاموشی فروغ چشم‌ها، همچنان سیاح کاشف و تیربینی باقی ماند تا یا هر یک از داستانش هایش دست خوانندگان خود را بگیرد و همچون راهنمایی برآمده از دل قرون و اعصار، بسیاری از نادیده‌های این جهان را نشان‌شان بدهد. اوبی گمان در نوع خود اعجوبه‌ای تمام عیار به حساب می‌آید و جهان ادبیات همواره وامدار تأثیر شگرف او خواهد بود.

بورخس؛ بورخس بزرگ...

فرانادو سورتینو، نویسنده و روزنامه‌نگار نامدار آرژانتینی، هفت بار با بورخس گفت‌وگو و به نوعی با او سلوک کرده (مجموعه این گفت‌وگوها با ترجمه حسین یعقوبی در ایران منتشر شده است) و رکورددار گفت‌وگو با بورخس است. وقتی از او بعد از آخرین دیدارش، می‌پرسند اگر بخواهی این نشست و برخاست‌ها و صحبت‌ها را در یک جمله خلاصه کنی، آن یک جمله چیست؟ جواب بسیار جالبی می‌دهد: جوابی که به این‌سینا منسوب است و می‌گوید بعد از دیدارش با ابوسعید ابوالخیر، عارف شهیر خراسانی، آن را به زبان آورده بود: «هر چه را که من می‌دانم، او می‌بیند؛» بعد می‌دانم سورتینو،

این‌سینا و ابوالخیر را می‌شناخته، اما پاسخ هوشمندانه‌اش می‌تواند بورخس را برای کسانی که شناختی از او ندارند، بشناساند؛ وگرنه آنها که بورخس را خوانده‌اند، (بورخس خان‌ها!) نیک می‌دانند که او در متن ادبیات قرن بیستم چه تک‌چهره و دردناک‌ای بوده است. نگاهی به بورخس و دنیای بی‌تظیری که در جهان داستانی‌اش «بازخلق» کرده، بعد گذشت ۴ دهه از فقدانش این دینی ناقابل است.

اعجاب در نوشتن

خورخه لوئیس بورخس، شاعر، نویسنده و اندیشه‌ور آرژانتینی، چند ماه پیش از آنکه جهان پای در قرن بیستم بگذارد، به دنیا آمد. هنوز چهارده سالش نشده بود که خانواده به قلب اروپا مهاجرت کرد و همین مهاجرت فرصتی برایش پیش آورد تا در سوئیس زبان‌های فرانسه و آلمانی را هم بیاموزد. پیش‌تر از اینها در خانه و از طریق معلمی سرخانه، زبان انگلیسی را نیز آموخته بود. عیش سیری‌ناپذیرش برای خواندن را بگذارید در کنار زبان‌دانی و زبان‌های متفاوتی که می‌دانست! بی‌گمان این دو، باید کلیدواژه‌های جادویی دانش بی‌مثال بورخس و حجم عجیب و باورنکردنی مطالعاتش باشند. ۲۲ سال دارد که به بوینوس آیرس بازمی‌گردد؛ حالا دیگر راهش را پیدا کرده و تصمیمش را گرفته است: «نوشتن»؛ گرچه طبع شعرش او را واداشت تا اولین دفترشعرش را بعد از بازگشت از اروپا و در ثوق و شوق آمدن به خانه پدری‌اش با عنوان «شور بوینوس آیرس» بسراید. باقی عمر را در آرژانتین ماند؛ سال‌ها استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه بوینوس آیرس بود و چند سالی نیز رئیس کتابخانه ملی آرژانتین، البته همچون پدر، به مرور بینایی‌اش را از دست داده بود و وقتی عهددار ریاست کتابخانه ملی آرژانتین شد، تقریباً نابینا بود. با این حال دست از کار نکشید و سرانجام در ۸۷ سالگی در سوئیس درگشت.

بابل و ۲۳ داستان دیگر» و «این هنر شعر» تا «پورانه‌های مدور»، «گزارش برودی» و... به همین خاطر بورخس آدم ناشناخته‌ای نزد کتابخوان‌های ایرانی نیست. همین آخر هفته بود که کتاب «گزارش‌های برودی» در کتابخانه‌ام چشمک زد و مرا به سوی خود خواند برای بازخواندنش؛ کاری که بورخس همواره به خوانندگان خود کرده است و می‌کند تا هریک از کتاب‌هایش بارها و بارها خوانده شود و این اجازه را به تو ندهد که بی‌اعتنا از کنارشان بگذری. باری، قبل‌ترها تعدادی از داستان‌های کوتاه گردآمده در این کتاب کوچک را در مجموعه «هزارتوهای بورخس» با ترجمه شادروان میرعلایی خوانده بودم. اما مانی صالحی علامه چند سال پیش بار دیگر برخی از آن داستان‌ها را انتخاب، ترجمه و در کنار یکدیگر با عنوان «گزارش برودی» به چاپ رساند. همراه با این کتاب، سه کتاب دیگر نیز از همین مجموعه با نام‌های «در ستایش تاریکی»، «سه روایت از یهودا»، «تاریخچه‌ای عمومی از بی‌عدالتی و شرارت» منتشر شدند که ظاهراً کتابخوان‌ها استقبال بسیار گرمی از این قصه‌ها کردند.

در پوستین چارواک‌داری حاشیه‌نشین

اما آنچه مرا واداشت تا به قول روزنامه‌نویس‌ها کتاب «گزارش‌های برودی» را بولد کنم و به واسطه داستان‌های این کتاب، چند سطر از



این نویسنده فقید بنویسم این است که بورخس مثالی‌ن را از ورای قصه‌های این کتاب می‌توان به وضوح دید؛ قصه‌هایی به تمامی بومی از زاد و رود بورخس که دنیای نویسنده و نگاه نافذش را یکد می‌کشد. قصه‌ها عمدتاً در بوینوس آیرس و اوایل قرن بیستم می‌گذرند. اما شاهکار بورخس جایی خود را به رخ می‌کشد که می‌بینیم فرزند یک خانواده ممتول و اهل ادبیات که به خانه‌ای بزرگ و در محله‌ای زیبا و



رتالیسم و حتی فانتزی نویسی
یک روی سکه جهان بورخسی
است. روی دیگر این سکه را می‌توان در جهانی داستانی یافت که به واسطه آشنایی گسترده و او با فلسفه، منطق، تاریخ ادیان، اسطوره و حتی فرهنگ مشرق‌زمین، در گستره ادبیات فلسفی، چشم‌اندازی متعالی و در تراز جهانی ساخته می‌شود

پاکیزه چشم باز می‌کند و بزرگ می‌شود، این احاطه حیرت‌انگیز و این تجربه عمیق زیسته در فقیرترین و کثیف‌ترین محلات بوینوس آیرس را چگونه به دست می‌آورد؟ اخلاقیات و خرده‌فرهنگ‌های جاری در این محلات و در روابط بین آدم‌های منحنط و کاملاً غریزی اما به غایت زنده و جاندار در قلب این محله‌ها را چگونه توانسته چنین زنده و تپنده تصویر کند؟

روایتش از محله‌ها، مردها، زن‌ها، کافه‌ها، بن‌بهدارها، قاتل‌ها و... به گونه‌ای است که خواننده گمان می‌کند خاطرات واقعی و از سر گذشته خود بورخس هستند که در کوچه پس‌کوچه‌های این محلات حاشیه‌نشین

زندگی کرده و حال با جرح و تعدیل‌هایی شکل داستانی به آنها بخشیده و پیش‌روی خوانندگان خود گذاشته است؛ قصه‌هایی که جنبش رتالیسم جادویی ادبیات آمریکایی لاتین را غنایی دوجندان بخشید. ناگفته نباید گذاشت که رتالیسم و حتی فانتزی نویسی یک روی سکه جهان بورخسی است. روی دیگر این سکه را می‌توان در جهانی داستانی یافت که به واسطه آشنایی گسترده و حیرت‌انگیز او با فلسفه، منطق، تاریخ ادیان، اسطوره و حتی فرهنگ مشرق‌زمین، در گستره ادبیات فلسفی، چشم‌اندازی متعالی و در تراز جهانی ساخته می‌شود.

مردی که از جایی به بعد، از تاریخ و جغرافیای

سرچشمه‌ای پایان‌ناپذیر از نبوغ یک نویسنده

همیشگی دارند، صدا و شکل می‌دهند. کمتر نویسنده‌ای است که از بورخس به من به‌عنوان رمان‌نویسی سرمست از واقعیت و مفتون از تاریخ، دورتر باشد؛ تاریخی که رفته‌رفته در پیرامون ما شکل می‌گیرد و نیز تاریخ گذشته که هنوز با قدرت بر اکنون سنگینی می‌کند. ادبیات خیال‌پردازانه هرگز وسوسه‌ام نکرده است و نویسندگان اندکی از این جریان در میان نویسندگان محبوب به چشم می‌خورند. درون‌مایه‌های یکسره فکری و انتزاعی که رنگ اکنون از آنها زوده شده است، مانند زمان، کیستی یا متافیزیک، هیچ‌گاه بیش از حد برایم دغدغه‌زا نبوده‌اند، حال آنکه موضوعاتی چنین زمینی مانند سیاست و تن‌کاگی -که بورخس کم‌ارزش می‌شمردشان یا از آنها چشم می‌پوشید- نقشی اصلی در آنچه می‌نویسم، دارند. اما گمان نمی‌کنم که این تفاوت‌های فاحش در فرجه و شخصیت، مانعی برای ارج نهادن به نبوغ بورخس بوده باشند.»



نماینده خمین در مجلس مطرح کرد:

کاهش فرار مالیاتی با حسابرسی سیستمی

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس گفت: حسابرسی سیستمی مالیاتی علاوه بر ایجاد شفافیت، به سازمان امور مالیاتی این امکان را می‌دهد که منابع مالیاتی کشور را به درستی شناسایی کرده و از شفافیت بیشتری در جمع‌آوری مالیات برخوردار باشد. محمد بیات عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی در مورد اجرای حسابرسی‌های سیستمی مالیاتی و تأثیر آن بر عدالت مالیاتی، به ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم، اظهار داشت: این ماده به‌مقتور کاهش فرار مالیاتی به تصویب رسید. براساس این ماده، افراد باید مالیات خود را مطابق حسابرسی سیستمی و اظهارنامه‌های سیستمی اعلام کنند. این اقدام می‌تواند تا حد زیادی فرار مالیاتی را کاهش دهد و به واسطه آن دولت قادر خواهد بود مالیات‌های جدیدی

عضو اتاق بازرگانی کرمانشاه مطرح کرد:

افزایش شفافیت با اجرای حسابرسی سیستمی مالیاتی

عضو اتاق بازرگانی کرمانشاه حسابرسی سیستمی مالیات را عاملی مؤثر در افزایش شفافیت، کاهش بروکراسی و تحقق عدالت مالیاتی دانست.

علی جلیلیان، عضو اتاق بازرگانی کرمانشاه گفت: حسابرسی سیستمی مالیات، زمینه‌ساز شفافیت و عدالت بیشتر در فرآیند مالیات‌ستانی است.

وی با ابراز خرسندی از اینکه ۹۵ درصد مودبان مالیاتی مالیات خود را به‌صورت سیستمی پرداخت کرده‌اند، این تحول را گامی مهم در جهت کاهش مشکلات اداری و تسهیل امور مردم دانست.

جلیلیان در این خصوص گفت: امروز حسابرسی مالیاتی به شکل سیستمی انجام می‌شود و این موضوع مزایای فراوانی برای مردم و دولت به‌همراه دارد. زمانی که مردم دیگر مجبور نباشند برای پرداخت مالیات در صف‌های طولانی ادارات منتظر بمانند و بتوانند این کار را به‌صورت آنلاین و در منزل انجام دهند، هم از نظر زمانی صرفه‌جویی می‌شود و هم از لحاظ روانی، مشکلات ناشی از رفت‌وآمدهای اداری کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، مودبان با آرامش خاطر بیشتری اقدام به پرداخت مالیات می‌کنند.

این عضو اتاق بازرگانی کرمانشاه با تأکید بر تأثیر حسابرسی سیستمی بر شفافیت مالی افزود: وقتی که مالیات‌ها به‌صورت آنلاین پرداخت شود، دولت نیز دید بهتری نسبت به درآمدهای مالیاتی خواهد داشت و می‌تواند منابع مالی خود را بهتر مدیریت کند. این امر باعث می‌شود که اگر دولت با کسری بودجه مواجه شود، بتواند با برنامه‌ریزی صحیح آن را جبران کند. همچنین، منابع مالیاتی وصول‌شده می‌توانند به تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام کمک کنند و این موضوع، رضایت عمومی

را براساس آن حساب کنند. در واقع این تغییرات به‌طور مستقیم به مسئله عدالت مالیاتی مرتبط است. بیات تأکید کرد: این تغییرات و اصلاحات در سیستم مالیاتی نه‌تنها باعث افزایش شفافیت در فرآیند مالیاتی می‌شود، بلکه به کاهش خطای انسانی نیز کمک خواهد کرد. در گذشته، بسیاری از خطاها به دلیل تعاملات مستقیم و فیزیکی میان مأموران مالیاتی و مودبان مالیاتی رخ می‌داد. اما با حسابرسی‌های سیستمی، این نوع خطاها به حداقل می‌رسد و تمام اطلاعات به‌طور خودکار و دقیق بررسی خواهد شد. در این زمینه، قطعاً با استفاده از این سیستم‌ها، شفافیت و صحت داده‌ها بهبود یافته و دیگر امکان سلیقه‌ای عمل کردن در امور مالیاتی نخواهد بود.

دبیر اول کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی افزود:

حسابرسی سیستمی به نوعی می‌تواند در حل مشکلات مالیاتی به‌ویژه در جلوگیری از فرار مالیاتی نقش مهمی ایفا کند. وقتی که اطلاعات به‌طور متمرکز و هوشمند در یک سامانه بررسی شود، دیگر نمی‌توان این سیستم‌ها را دور زد. تمام افراد باید همان‌طور که در قانون آمده است، اظهارنامه‌های خود را به‌طور شفاف و مطابق با استانداردهای مالیاتی ارائه دهند. نماینده خمین در پایان گفت: اصلاحات در سیستم حسابرسی مالیاتی نه‌تنها به شفافیت بیشتر کمک می‌کند، بلکه به عدالت مالیاتی نیز می‌انجامد. این تغییرات به‌ویژه در شرایط کنونی که دولت نیاز به منابع مالی برای پیشبرد برنامه‌های مختلف دارد، می‌تواند بسیار مفید واقع شود و باعث کاهش نابرابری‌ها در زمینه مالیات‌گیری شود.

کارشناس اقتصادی مطرح کرد:

تقویت تولید با توسعه داده‌محوری در نظام مالیاتی

به شهروندان، اداره کشور و پیشبرد پروژه‌های عمرانی و زیرساختی به وجود می‌آید.

وی بیان داشت: کارکرد دیگر مالیات این است که با استفاده از این مکانیسم به ایجاد عدالت اجتماعی در کشور می‌پردازیم. به نحوی که بخشی از درآمد کسانی که امکانی برای ایجاد سود برای خودشان در فضای اقتصادی کشور دارند، به نفع عموم مردم به کار می‌افتد. عزیزی در رابطه با تقویت داده‌محوری که در دستور کار وزارت اقتصاد و سازمان امور مالیاتی قرار گرفته است: اظهارنظر کرد: داده‌محوری در اخذ مالیات متجر به شفافیت و بهبود سیاستگذاری مالیاتی خواهد شد، به‌طور مثال از وقتی کارت بنزین به مصرف‌کنندگان مبتنی بر سامانه کارت سوخت عرضه شده است، تمامی اطلاعات آن‌ها به لحاظ مصرف بنزین قابل دسترسی است و این به معنی بالا رفتن سطح شفافیت امور است که امکان سیاستگذاری صحیح را به وزارت نلت داده است. وی خاطرنشان کرد: سیستمی شدن امور مالیاتی و حسابرسی سیستمی و هوشمند مبتنی بر تقویت داده‌محوری نیز همین کارکرد را دارد و به از بین بردن فضای غبارآلود کمک می‌کند.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: سازمان امور مالیاتی باید با استفاده از روندهای سیستمی و هوشمندسازی به دنبال کشف مودبان جدید و مقابله با فراریان مالیاتی باشد. حتی‌الامکان باید حمایت از مودبان شناسنامه‌دار در اولویت باشد و از اعمال فشار بر آن‌ها جلوگیری نماید. عزیزی در پایان خاطرنشان کرد: رشد حسابرسی سیستمی و تمرکز بر داده‌محوری در اخذ مالیات علاوه بر عادلانه کردن اخذ مالیات، منجر به پیش‌بینی‌پذیری پرداخت مالیات و بهبود محیط کسب‌وکار خواهد شد که جذابیت تولید را افزایش خواهد داد و در نتیجه آن نیز شاهد تقویت سرمایه‌گذاری به نفع تولید خواهیم بود.



خودرها و از انسان و تمامی دغدغه‌ها و داستان‌های مربوط به انسان در بطن تاریخ بشری سخن می‌گوید، بر غنای ادبیات فلسفی و ژانر فانتزی افزوده و بر جنبش واقع‌گرایی جادویی در ادبیات آمریکایی لاتین

* این نوشتار آماده شده بود تا در سالمرگ بورخس منتشر شود؛ اما چنان که همه می‌دانیم این تاریخ مصادف شد با آغاز جنگ تحمیلی ۱۳ روز علیه کشورمان و طبعاً این نوشتار نیز به فراخور، از دستور کار انتشار خارج شد تا فرصتی دیگر؛ چون امروز.